



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۶۷
۱۳۸۴ تیر
۶ ژوئیه ۲۰۰۵

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

مردم در شهرهای کردستان یاد منصور حکمت را گرامی داشتند

داشتند. متون مختلفی از منصور حکمت مورد بحث و مطالعه قرار گرفت. در این شهرها با پخش تراکت و شعارهایی به این مناسبت نقش و جایگاه منصور حکمت را به جامعه اعلام و گرامی داشتند. شعار و تراکتهایی که نوشته یا پخش شده است عبارتند از:

طبق خبری که به کمیته کردستان رسیده است، مردم در شهرهای سقز، سنندج، سردشت و کامیاران یاد منصور حکمت رهبر، بنیان گذار و سازمانده کمونیسم کارگری را گرامی داشتند. در چند روز اخیر دوستداران منصور حکمت در مجامع مختلف در مورد نقش و تاثیر این مارکسیست بزرگ معاصر به بحث و بررسی پرداختند. یاد عزیزش را گرامی

صفحه ۵

خطرات جدی نظام را تهدید می کند

مروری بر روزنامه ها

عبدل گلپریان

صفحه ۵

من دیگر از مردم ایران دفاع نمیکنم



عبداله اسدی

abe.asadi@localnet.net

از این همه فعالیت در داخل و خارج از کشور باز هم رفتند به قول خودشان، این دفعه بین بد و بدتر، بدتر را انتخاب کردند!!! در پاسخ این دوست بشدت عصبانی خود، گفتم: من نمی گویم که کسی رأی نداده است. شما راست میگویند. طبعاً بخشهایی از مردم در انتخابات شرکت نموده اند. اما شما اگر اخبار و گزارشات این نمایش انتخاباتی را تعقیب کرده باشید، متوجه میشوید که بخش

سر تیترا بالا، گفته دوستی به نام پریا است که چند روز پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران، در بحثی که با هم داشتیم عنوان کرد. از او پرسیدم، چرا به این نتیجه رسیده اید؟

در پاسخ گفت: به نظر من شما هم دیگر مبارزه نکنید. برای کی این همه زحمت میکشید. همان جمهوری اسلامی و همان احمدی نژاد، لیاقت مردم ایران است. چرا بعد

صفحه ۴

نگاهی به اوضاع سیاسی ایران و جایگاه حزب کمونیست کارگری



محمد آسگران

asangaran@aol.com

میکند که در مقابل خامنه ای خود را متشکل کند. به قدرت رسیدن احمدی نژاد و کنار گذاشتن رفسنجانی که سمبل و یکی از ستونهای اصلی جمهوری اسلامی بود، اختلافات سران و رهبران رژیم را وارد مرحله تازه ای کرده است. حذف رفسنجانی، کربوبی و کل جریانات دوم خرداد از حکومت، جمهوری اسلامی را در موقعیت پیچیده و شکننده ای قرار داده است.

این اتفاقات در شرایطی افتاده است که اعتراضات و اعتصابات کارگران و مردم در ایران در يك سال گذشته ابعادی وسیع به خود گرفته و رادیکالیسم این اعتراضات روز به روز

صفحه ۳

امسال در شرایطی به استقبال ۱۸ تیر میرویم که اتفاقات مهمی در ایران افتاده است. جمهوری اسلامی در موقعیت ضعیفتری قرار گرفته است. يك باند از جناح راست قدرت حکومتی را از دست جناحهای رقیب خارج کرده است. بخش اصلی رهبران و آخوندهایی که در ۲۶ سال قبل این رژیم را ساخته اند از قدرت کنار گذاشته شده اند. اختلافات جناحی گله های آخوند و حزب الله به مرحله تازه ای رسیده است. این اختلافات تا جایی پیش رفته است که تعدادی از سران جمهوری اسلامی اعلام کرده اند که قانون اساسیشان جوابگو نیست. این طیف در نقش "اپوزیسیون" طرفدار جمهوری اسلامی تلاش

چند خبر از سنندج

آغاز دور دیگری از اعتراضات کارگران شاهو

کارگران آب و فاضلاب سنندج در مقابل اداره مرکزی تجمع کردند

کارگران شاهو معاون استانداری کردستان را از کارخانه فراری دادند

بیانیه جوانان آزادیخواه شهر سرخ سنندج

صفحه ۲

سردبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 73 770 64 54
E-mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

Tel: 0049 1633458007
E-mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون کانال جدید تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال ۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیو را معرفی کنید

۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلو هرتز

ایسکرا چهارشنبه ها منتشر میشود

آغاز دور دیگری از اعتراضات کارگران شاهو

کارگران شاهو روز ۱۸ تیر در
مقابل اداره کار تجمع میکنند

بر اساس خبر رسیده به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران کارگران اخراجی کارخانه شاهو در سنندج ناچار شدند باز هم در مقابل اداره کار دست به تجمع بزنند. همچنانکه قبلاً به اطلاع رساندیم نمایندگان کارگران در جلسه ای با نمایندگان اداره کار، حراست، کارفرما، اطلاعات و استانداری درمحل استانداری کردستان در شهر سنندج به توافق رسیدند که مطالبات کارگران را اجرا کنند. طبق توافق این جلسه میبایست تعدادی از کارگران به سر کار برگردند و تعدادی که بیمه بازنشستگی شاملشان میشد بازنشسته شوند.

اما بعد از چند روز اداره کار و کارفرما ۱۳ نفر از ۳۰ نفر کارگران اخراجی را اسم نویسی میکنند و اعلام میکنند که فقط این کارگران بیمه بیکاری یا بازگشت به کار شاملشان میشود و مسله بازنشستگی کارگران را مسکوت میگذارند.

در مقابل این ترفند کارفرما و اداره کار کارگران هماهنگ و متحد اعلام میکنند که با مطالبات همه کارگران را باید اجرا کنند یا اینکه اعتراض را از سر بگیرند. کارگران در یک تصمیم جمعی و متحدانه اعلام میکنند:

۱- این یک ترفند است و باید با اعتراض همه کارگران روبرو شود
۲- مطالبات همه ما کارگران بازگشت به کار یا حق بازنشستگی است

۳- ما در مقابل این تصمیم تفرقه افکنانه با اتحاد و همبستگی مطالباتمان را دنبال میکنیم.

۴- در اعتراض به این ترفند اداره کار و کارفرما، ما کارگران اعتراضات خود را ادامه میدهیم و روز ۱۸ تیر ساعت ۵ بعد از ظهر در مقابل اداره کار تجمع میکنیم

کمیته کردستان حزب ضمن حمایت از اعتراض و خواسته های کارگران شاهو از همه کارگران و مردم سنندج میخواهد که در این تجمع اعتراضی شرکت کنند و

کارگران شاهو را در رسیدن به مطالباتشان تنها نگذارند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ تیر ۸۴ - ۲۰۰۵۰۷۰۳

کارگران آب و فاضلاب سنندج در مقابل اداره مرکزی تجمع کردند

روز ۱۳ تیر ماه بیش از ۱۵۰ نفر از کارگران آب و فاضلاب سنندج تجمع کردند. این تجمع روز دوشنبه از ساعت ۱۰ صبح در مقابل اداره مرکزی آب و فاضلاب این شهر در اعتراض به عدم واگذاری زمینهای خریداری شده تعاونی تا بعد از ظهر این روز ادامه داشت.

این اداره به کارگران اعلام کرده بود که زمینهای تعاونی را می توانند به قیمت مناسب خریداری کنند. کارگران هر کدام به نسبت متراژ زمین ۱ تا ۵ میلیون تومان برای خرید این زمینها پرداخت نموده اند. این زمینها هنوز بعد از مدتها به کارگران واگذار نشده است. اعتراضات کارگران مقامات رژیم اسلامی در سنندج را ناچار به عقب نشینی کرد. جمشیدی معاون استانداری به همراه صادقی رییس تعاونی سپاه مجبور شدند با کارگران وارد مذاکره شوند. در این مذاکره مقامات دولتی متعهد شدند که در اسرع وقت جواز خرید این زمینها را به کارگران بدهند.

کارگران اعلام کردند که اگر تا هفته آینده این جوازها را دریافت نکنند همراه خانوادههای خود در مقابل استانداری تجمع خواهند کرد.

تجمع کارگران شرکت ارشاد سنندج

کارگران شرکت ارشاد سنندج دیروز سه شنبه در مقابل دادسرای نظامی تجمع کردند.

۱۶۰ نفر از کارگران شرکت ارشاد ۳ سال پیش از طرف این شرکت زمینهای تعاونی را خریداری کرده اند، این کارگران هر کدام ۳ تا ۵ میلیون تومان پول بابت این زمینها پرداخت نموده اند. بعد از مدتی به آنها جوازی با مهر تعاونی سپاه و اداره اوقاف داده شده است. این در حالی است که بعد از ۳ سال این زمینها به کارگران واگذار نشده است. تاکنون کارگران بارها در

اعتراض به این حق کشی عیان تجمع کرده اند. دیروز سه شنبه ۱۴ تیرما کارگران در مقابل دادسرای نظامی تجمع نمودند و با قاضی محمدی وارد مذاکره شدند. کارگران اعلام کردند اگر تا روز شنبه آینده این زمینها واگذار نشود، در مقابل استانداری تجمع خواهند کرد. یکی از کارگران اعلام نمود ما همراه خانواده و اقوام خود تجمع می کنیم و اعلام می کنیم که مردم شهر هم از ما حمایت کنند. کارگران خواهان واگذاری هر چه سریعتر زمینهای خریداری شده هستند. قاضی محمدی در این مذاکرات تعهد نمود تا روز شنبه جواز زمینها را به آنها بدهند و به این ترتیب زمینها را واگذار کنند.

دو کافه نت در شهر بانه بسته شد

دیروز سه شنبه ۱۴ تیر ماه صبح ساعت ۹ به وقت تهران ۲ کافه نت در شهر بانه توسط نیروهای اطلاعات بسته شد و صاحبان آنها دستگیر شده و روانه زندان گردیدند.

اکورحیمی و کاوه شمسی که هر دو در شهر بانه دارای کافه نت بودند دستگیر شدند و کافه نت آنها بسته شد. نیروهای رژیم در میان مردم اعلام کردند که این کافه نتها مجوز نداشته اند. این درحالی است که این دو نفر به اتهام داشتن فیلتر شکن دستگیر شده اند. زیرا بدین وسیله مردم میتوانند به سایتهای خبری دیگر دسترسی داشته باشند. تا رسیدن این خبر هنوز اکورحیمی و کاوه شمسی در اطلاعات شهر بانه در بازداشت بسر می برند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران و مردم کردستان را فرا میخواند که در مقابل این رژیم جنایتکار متحدانه به میدان بیایند. مقامات و ادارات جمهوری اسلامی به بهانه های مختلف در حال دزدی، اجحاف و زورگویی علیه مردم هستند. این کار همیشگی این دم و دستگاه بوده است. اینها را باید به زیر کشید.

۱۵ تیر ماه ۸۴ ژوئیه - ۲۰۰۵

گزارشی از کارخانه شاهو در سنندج

طبق گزارشی که به کمیته

کردستان حزب کمونیست کارگری رسیده است، کارگران شاغل شاهو در سنندج جمشیدی معاون استاندار کردستان را هو کردند و او را از کارخانه فراری دادند. کارگران شاغل شاهو در یک ماه اخیرا مجموعه ای از اعتراضات را علیه کارفرما سازمان دادند که اساسی ترین خواست کارگران پرداخت حقوق معوقه و همچنین بیمه بازنشستگی کارگرانی بود که بیش از ۲۰ سال در محیط کار سخت و زیان آور کار کرده اند.

کارگران در این مدت بارها در مقابل اداره کار تجمع کردند و یکبار نیز در مقابل مجلس شورای اسلامی در تهران تجمع کردند و خواستهای خود را به بالاترین مراجع دولتی اعلام نمودند. اما هر بار با ترفندی کارگران را به سر کار بازگردانده و جوابی به خواستههایشان نداده اند.

جمشیدی معاون استاندار دیروز دو شنبه ۱۳ تیر به همراه ۲ نفر دیگر در میان کارگران ظاهر شد و خواست خشم کارگران را مهار کند و همبستگی کارگران را با ترفندهای جدید و تفرقه افکنانه دچار مشکل کند، که با اعتراض کارگران روبرو شد.

در حالی که کارگران فریاد می زدند ما چیزی جز حقمان را نمی خواهیم. تعدادی از کارگران با صدای بلند اعلام کردند آقای جمشیدی زن و بچه شما مثل ما هر شب به دست خالی از ناتان نگاه نمی کنند ما شرمند کودکان خود هستیم که حتی پول اینکه شکمشان را سیر کنیم نداریم.

ما دیگر تحمل نخواهیم کرد. در میان کارگران یکی با صدای بلند گفت تف بر هرچه آدم بی شرفی مثل شما، که با تشویق کارگران روبرو شد و کارگران جمشیدی را هو کردند. جمشیدی فرار را بر قرار ترجیح داد و از کارخانه بیرون رفت.

در ادامه این خبر آمده است طاهری مدیر عامل کارخانه شاهو اعلام ورشکستگی کرده است. این در حالی است که حقوق و مزایای چندین ماه کارگران هنوز پرداخت نشده است.

استانداری کردستان اعلام ورشکستی کارخانه شاهو بوسیله طاهری مدیرعامل این کارخانه را مورد تایید قرار داده است.

ادامه نگاهی به اوضاع سیاسی ایران و ...

عمیقتر شده است. نقش چپ و کمونیسم در راس این جنبش بیش از پیش از جایگاه محکمتری برخوردار شده است. حزب کمونیست کارگری ایران در ایجاد این تعادل قوای سیاسی نقش مهم و منحصر به فردی داشته است.

نقشی که سیاستها و تاکتیکهای حزب در این راستا ایفا کرده است موقعیت تازه ای برای خود حزب و رهبری آن ایجاد کرده است. هیچ مقطعی در تاریخ ایران ما شاهد چنین جنبشی با این خصوصیات نبوده ایم. این جنبش، جنبشی مدرن، انسانی، امروزی و با افق سیاسی روشن، و با پلاتفرم رفاه، آزادی، برابری و احترام به انسان در ایران پا به میدان گذاشته است.

این حرکت پدیده تازه ای است که تاریخ معاصر ایران برای اولین بار آنرا دارد تجربه میکند. کمونیسم با صفت وسیع از رهبران و کادرهای شناخته شده، رهبران عملی در میدان عمل و جدال فکری، امکانات رسانه ای قابل توجه، روش بینی و تشکل حزبی با برنامه و بانفوذ اجتماعی، کل فضای سیاسی ایران را دچار دگرگونی عمیقی کرده است.

کمونیسم کارگری پدیده مهمی است که در این جنبش اجتماعی وسیعاً جا باز کرده است. رد پای این گرایش سیاسی و اجتماعی از بعد از انقلاب ۵۷ قابل دیدن و بازشناسی است. تاریخ این گرایش با تاریخ زندگی کوتاه و پر ثمر منصور حکمت عجین است. به این معنا تاریخ معاصر ایران شاهد سیر تکوین این حرکت بوده و اکنون در این مقطع زمانی، ما با شرایطی تعیین کننده و سرنوشت ساز روبرو هستیم. این گرایش فکری یک ترند سیاسی معتبر است که در این جنبش انقلابی در ابعادی وسیع قابل شناسایی است. در همین چند سال اخیر این ترند فکری و حزب معینی که جنبش انقلابی در ایران را هدایت کرده است

و یا در جهت دادن به این جنبش نقش اصلی را بازی کرده است کاملاً مشهود و برجسته است.

به این اعتبار تاریخ حزب کمونیست کارگری با تاریخ مبارزات رادیکال و انقلابی چند سال گذشته در ایران کاملاً عجین شده است. نقش این جنبش اجتماعی و تاثیرات حزب کمونیست کارگری در تکوین و تکامل این جنبش با نمونه ها و اتفاقات مهمی در تاریخ ایران تداعی میشود. کنفرانس برلین، اول مه ها و بطور برجسته ای اول مه ۸۴ در ابعادی سراسری، مبارزات کارگران در اقصی نقاط ایران و نقش سیاستهای حزب، رهبری و هدایت مستقیم و غیر مستقیم جنبش کارگری در ابعادی گسترده، قابل رویت است. نقش این ترند فکری در تاثیر گذاری بر جنبش برابری طلبانه زنان، جنبش جوانان، دفاع از حقوق کودکان، دفاع از حقوق پناهندگان و ... همگی عرصه هایی است که این گرایش فکری در سازمان دادن و هدایت آنها نقش اصلی و تعیین کننده ای بازی کرده است. چنانچه اکنون این گرایش فکری به یک جنبش عظیم اجتماعی وصل شده و غیر قابل تفکیک است. علاوه بر تاثیرات این حزب در سطح ایران، در خارج کشور و مشخصاً در تعدادی از کشورهای اروپایی و کانادا نقش اجتماعی و پیشرو حزب و تعدادی از رهبران و فعالین سرشناس آن در تغییر قوانین و فرهنگ به نفع زنان، پناهندگان و کودکان در جامعه کاملاً مشهود است.

با این وجود توان و پتانسیل جنبش انقلابی در ایران و نقش حزب کمونیست کارگری بسیار وسیعتر و عمیقتر از این است که ما مشاهده کرده ایم.

ما هنوز گوشه هایی از این جنبش اجتماعی و انقلابی را شاهد بوده ایم. این جنبش باید با تمام قامت به میدان بیاید. این غول خفته بیدار شده است اما باید راه بیفتند. سیاسیون ورشکسته که فکر میکنند راست جامعه، کلید تغییرات در ایران را در دست گرفته و چپ جامعه ضعیف شده است با اولین

جرقه های این جنبش زیانشان دچار لکنت شده و ناچارند ادیبانشان را تغییر دهند.

امروز بیش از هر زمانی امید به انقلاب اجتماعی و رهایی از قید و بند سرمایه و فقر و فلاکت در جامعه معتبر شده است. مخالفین انقلاب و طرفداران تغییر شدند. امروز دیگر طرفداران سیاستهای حجابی و دولت حجابی و کل طیف ضد انقلاب دوم خرداد و مریدان خارج و داخل حکومت هم فهمیده اند که با وجود این رژیم، نمیشود انتظار تغییر داشت.

کسانی که فکر میکردند دوم خردادیها و جریانات اصلاح طلب رژیم اسلامی این نمایندگان بورژوازی متعارف ایران "قدرت را یکسره میکنند و همه جا گل و بلبل میشود و به صرافت این افتاده بودند که دوران کار آرام است، کسانی که اعلام کردند انقلابی در کار نیست، اکنون باید نوشته هایشان را پنهان کنند.

کسانی که فکر میکردند سوسیالیسم مردم را رم میدهد و انقلابی در کار نیست و مردم "نایب سوپرمارکتها را غارت کنند" و شورا بدر نمیخورد و راست دست بالا پیدا کرده است و ... اکنون ناچارند آن ادیبان "شیرین" را بسته بندی کنند و به پستوی تاریخ منزلشان بفرستند. دوران این اراجیف تمام شد. جامعه با قدرت راه دیگری را طی میکند.

یکی از نتایج قدرت اعتراض مردم چند شقه کردن و پاره پاره شدن سران رژیم اسلامی بود. اکنون زمان متحد شدن و با قدرت به میدان آمدن کارگران و مردم معترض است. جنبش اعتراضی کارگران، زنان، جوانان و کل مردم به جان آمده میتواند و باید کل دم و دستگاه جنایت رژیم اسلامی را درهم بپسجد. راه خلاصی از دست فقر و فلاکت و زندان و اعدام و بی حرمتی، سرنوشتی این رژیم سراپا جنایت است. تا هم اکنون در این راستا قدمهایی جدی به جلو برداشته ایم. اکنون با گسیختگی و سرگردانی حاکمان

جمهوری اسلامی فرصت مناسبی برای ضربه زدن و جلوگیری از جنبش ما انسانهای برابری طلب، ما سوسیالیستها، ما کمونیست کارگرها بیش از همیشه آماده است. طبقه کارگر و فعالین کمونیست کارگری باید این اوضاع را دریابند، نباید فرصت را از دست داد. جمهوری اسلامی در سطوح داخلی و بین المللی زیر فشار خرد کننده ای قرار گرفته است. دشمن ضعیف و پراکنده را راحت تر میشود زد. مبارزات طبقه کارگر و مردم برای پایان دادن به عمر رژیم اسلامی وارد فاز تازه ای شده است. متشکل شدن و تدارک حمله و تعرض به رژیم اسلامی کاری فوری و جدی در دستور همه فعالین کارگری و اجتماعی است.

اوضاع بین المللی به ضرر رژیم اسلامی تغییراتی کرده است و حکومت اسلامی بیش از پیش تحت فشار قرار گرفته است.

آمریکا و دولت های اروپایی علیرغم سیاست پراگماتیستی نسبت به جمهوری اسلامی، بعد از نتیجه "انتخابات" ریاست جمهوری در ایران، تغییراتی در روابطشان مشاهده میشود. پرونده هایی که سالها در مراجع قضایی کشورهای اروپایی خاک خورده بودند، دوباره روی میز آنها قرار گرفته است. مسأله حقوق بشر و سلاحهای هسته ای در ایران یک بار دیگر در فضای سیاسی جهان به عنوان موضوعی برجسته مطرح شده و می رود که کل مناسبات جمهوری اسلامی با دولت های غربی را دستخوش تغییراتی کند.

در این میان آمریکا با استفاده از فضای بوجود آمده تلاش میکند اهداف جهانی و منطقه ای خود را دنبال کند. بنابر این احتمال شاخ به شاخ شدن جمهوری اسلامی و آمریکا روز بروز شدت بیشتری میگیرد. نا گفته نماند که دولت های اروپایی و آمریکا در قدم اول تلاش میکنند که دولت اسلامی رام شده در ایران داشته باشند. زیرا هیچ آلترناتیو قابل قبولی ندارند. اینکه نهایتاً در این راستا آمریکا تلاش میکند با دخالت مستقیم، آلترناتیو خود را سر

بقیه در صفحه ۶

کوچه ها، خیابانها و شهرمان پاک کنیم. بیاید در ۱۸ تیر امسال با شعار آزادی و برابری شعار آزادی زندانیان سیاسی و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی این رژیم را به لبه پرتگاه سقوط سوق دهیم و نشان دهیم عزممان را برای انقلاب مردمی و در هم پیچیدن بساط ارتجاع جزم کرده ایم.

وعده ما ۱۸ تیر خیابان ششم بهمن ساعت ۸ بعد ظهر

زنده باد آزادی و برابری

زنده باد انقلاب مردم ایران

مرگ بر جمهوری اسلامی

جوانان آزادیخواه شهر سرخ سنندج

۱۶/۴/۱۳۸۴

به اساس رژیم، مضحکه انتخاباتشان به افتضاحی بزرگ تبدیل شد، اکنون نظام آشفته تر از همیشه اینگونه وانمود میکنند که با یکدست شدن حاکمیت و به میدان آوردن چهره ای جلا، میتوانند اعتراضات مردمی را به عقب برانند. حال که جریان اصلاح طلب رژیم کارش تمام شده قضیه فقط دو طرف دارد یک طرف جمهوری اسلامی و دیگری جنبش انقلابی مردم، کارگران، زنان و جوانان آزادی خواه و برابری طلب. بیایید به این رژیم نشان دهیم که هیچ جلادی یارای مقابله با جنبش اعتراضی مردم را ندارد. مردم بیاید همدوش با دانشجویان و کارگران خیابانها را آزان خود سازیم و هر گونه آثار جمهوری اسلامی را از

اعتراضات کارگران کارخانه شاهو همچنان ادامه دارد.

۱۴ تیر ۸۴

بیانیه جوانان آزادیخواه شهر

سرخ سنندج

۱۸ تیر شعار آزادی و برابری مردمی

دهیم

جوانان، زنان و مردم آزادیخواه شهر سنندج! در راستای اعتراضات و مبارزاتمان برای سرنوشتی نظام کثیف جمهوری اسلامی در شرایطی ویژه قرار گرفته ایم. پس از آنکه در اثر اعتراضات و "نه" مردم

در عین حال اخبار و اسنادی حاکی از تبانی طاهری و صادقی رئیس اداره کار به دست کارگران رسیده است. اسنادی که حکایت از پرداخت رشوه طاهری به صادقی میکنند. گویا طاهری ۲۰ میلیون تومان به صادقی رئیس اداره کار رشوه پرداخته است که در هئیت های حل اختلاف، و حتی کمیسیون کارگری حق را به کارفرما بدهند، تا به این ترتیب اعلام ورشکستگی تایید و کارگران بازنده این بازی باشند.

در مقابل این ترندها کارگران اعلام کرده اند اجازه نمیدهیم این کارخانه را بفروشند مگر اینکه تمام حقوق و مزایای ما کارگران پرداخت شود.

۱/۱۱۱ من دیگر از مردم ایران دفاع نمیکنم

بسیار زیادی از این آرا ساختگی است. این را فقط حزب کمونیست کارگری نمیگوید. میتوانید آن را از زبان آقای رفسنجانی نیز بشنوید. شخص کروی مشاور اول خامنه ای نیز مسئله تقلب را مطرح میکند، معین نیز میگوید و اکنون تمام دنیا این را اذعان میکنند. در انتخابات دوم زیر قول و قرارهایشان زندوبیلاخره تصمیم گرفتند که احمدی نژاد را از صندوق در آورند.

آنهایی که رأی داده اند نیز، به این دلیل نبوده که خیلی جمهوری اسلامی را قبول دارند، بلکه هر کسی بدلائل شخصی خود رأی داده است. مثلاً یک نفر بخاطر اخراج نشدن از اداره اش، دومی برای ورود به دانشگاه، دیگری بخاطر مصلحت و هزاران دلیل دیگر پای صندوق رأی رفته است. بخشی از مردم رأی دهند نیز با فکر باز به این انتخابات نگاه نکردند. اشخاصی نیز هستند که فکر میکنند باید تغییر را در خود جمهوری اسلامی بوجود آورد. در مجموع من شخصا معتقدم که هر کس که با جمهوری اسلامی و موجودیت کل این رژیم مخالفت دارد ولی با این وجود در انتخابات شرکت کرده است، نه تنها کمکی به خود و دیگران و نجات مردم ایران از این فلاکت و بدبختی نکرده بلکه با دست و امضای خود برای جمهوری اسلامی طول عمر بیشتری خریده است. من بعنوان یک فعال سیاسی و بعنوان کسی که در طول ۲۶ سال عمر رژیم اسلامی برای آزادی و برابری مبارزه کرده ام و جنایتهای ۲۶ ساله این رژیم را به دنیا معرفی نموده ام، شرکت هرکسی در انتخابات را کاملاً اشتباه و به ضرر آزادی انسانها میبینم. اینکه من بخاطر بد به بدتر رأی داده ام بسیار بی معنی است. جمهوری اسلامی در تمام سطوح اداری و دولتی اش آن انسجام قبلی را که بتواند کسی و یا مردمی را بخاطر رأی ندادن مرعوب کند، ندارد.

پریا گفت: من به ایران تلفن کرده ام و در مورد انتخابات پرسیده ام اما با کمال تعجب متوجه شدم که آنهایی که من میشناسم به احمدی نژاد رأی داده اند. استدلالشان هم این بوده که ما به احمدی نژاد رأی داده ایم چون وی قول داده که فساد را در ایران ریشه کن نماید. شما نمیدانید که چقدر مدل لباس و آرایش زنان مبتذل شده است، بگذارید احمدی نژاد این بی بند و باری را برچیند. پریا ادامه داد: من از این پاسخ خیلی ناراحت شدم به همین خاطر میگویم که برای مردم ایران همان جمهوری اسلامی خوب است.

از وی پرسیدم که شما فکر میکنید این حرف، واقعی و از اعماق قلبشان بود؟! او با ناراحتی گفت: نه، مخاطبین من همگی زن بودند و من هم فقط دو سال است که از آنها

دور هستم و در ضمن میدانم که در جمهوری اسلامی صرف زن بودن جرم است. گفتیم: ناراحت نشو، باید با هر مسئله ای با صبر و متانت برخورد کرد و بعضاً هم با استدلال کافی.

اجازه بده که کمی این مسئله باز کنیم. آنها به تو دروغ نگفته و حتماً در انتخابات شرکت کرده اند. اما اینکه "بی بند و باری" در جامعه هست و زنان آرایش میکنند و لباس "مبتذل" میپوشند عمدتاً بخشی از فعالیت رسانه های جمهوری اسلامی بمنظور عقب نگاه داشتن مردم است. جمهوری اسلامی مخالف رفاه و خوشبختی مردم است و در طول ۲۶ سال حاکمیت خود سعی داشته که مردم را به فقر، بی حقوقی و قانع بودن عادت دهد. برای رسیدن به این امر مجبور بود که فرهنگ اسلامی را از طرفی و از طرف دیگر سرکوب گسترده و خشن را هر روزه بعنوان مهمترین ابزارهایش بدست بگیرد. اما نتوانست دلیل ساده آن همین انتخابات بود که کمترین مسئله ای که در تبلیغات کاندیداها مشاهده می شد، اسلام بود، زیرا که متوجه شده اند که بطور کلی مردم و بویژه جوانان خواهان فرهنگ متمدن و آزاد هستند و زندگی پر از رفاه را جزو حقوق اولیه خود میدانند. ما باید بپذیریم که عنوان بی بند و باری هم بخشی از افکار سازی در ایران است.

از طرفی ۷۰ میلیون مردم ایران، همه مثل هم فکر نمیکنند. همانطور که از نظر طبقاتی فاصله زیادی دارند از نظر فرهنگی نیز باهم یکی نیستند. هیچ کس هم این انتظار را ندارد که همه مردم ایران انقلابی باشند و در یک روز معین دست به انقلاب بزنند. انقلاب کار بخش پیشرو جامعه است. کارگران پیشرو، دانشجویان پیشرو، معلمان پیشرو و زنان و جوانان پیشرو هستند که در صف مقدم، زمینه های انقلاب را فراهم میسازند. انقلاب نیز وقتی صورت میگیرد که حزب و رهبر و سازمانده انقلاب وجود داشته باشد و مردم به آن اعتماد نمایند. هم اکنون زمینه های یک انقلاب عظیم اجتماعی در ایران در حال شکل گرفتن است.

حال ما زمینه های شکلگیری یک انقلاب را در ایران چگونه میبینیم؟

از نارضایتی عظیم مردم، از مبارزات هر روزه مردم برای ایجاد بهبود در زندگی روزمره خود، در نگاه مردم به دنیای بیرون و آگاهی از آخرین دستاوردهای بشری در جهان غرب، از نگاه نسلی که نه تجربه انقلاب ۵۷ را دارند و نه دوره اختناق ۳۰ خرداد ۶۰ را بیاد میآورند و نه میخواهند بفهمند که چرا باید حجاب اجباری باشد! نسلی که نمیخواهد بفهمد که

دین و مذهب و مسجد که کاملاً یک امر شخصی است، چه ربطی به سیاست و دخالت در زندگی خصوصی مردم دارد.

من انقلاب را از نگاه مادری میبینم که پسر جوانش، سرمایه زندگی و جگر گوشه اش در کنار خیابان بخاطر اعتیاد به مواد مخدر در عرض یکی دو سال در مقابل چشمانش پرپر میشود و هیچ راهی بجز برچیدن این نظام ندارد. از نگاه کارگرانی که ۶ ماه است حقوقشان به تعویق افتاده و نمی توانند فرزندانش را از نظر مایحتاج اولیه زندگی تأمین کنند میبینم. از نگاه میلیونها زنی میبینم که فقط با شمشیر اسلام و اعدام و خونین ترین سرکوبها توانستند حجاب را در اواخر قرن ۲۰ به او تحمیل کنند و تا جمهوری اسلامی سر کار است نمیتواند از این طوق لعنت خلاصی یابد.

انقلاب را از نگاه دختر و پسری میبینم که آرزوییشان این است که بدون ترس از نیروی انتظامی و امر به معروف و نهی از منکر در پارکی بنشینند و با هم حرف بزنند. از نگاه میلیونها زن و مرد جوان که آرزو دارند دست مذهب از آموزش و پرورش و کلا از زندگیشان کوتاه شود. و بالاخره از سیر رو به رشد مبارزات مردم در اول ماه مه، در مقابل زندان اوین برای آزادی زندانیان سیاسی، از سیر مبارزات و تظاهرات اخیر زنان در مقابل دانشگاه، از اعتصاب و جاده بستن هر روزه کارگران و از حسین پارتی جوانان در تهران و تلاش زنان برای ورود به استادیوم فوتبال می بینم.

مثل روز روشن است که با جمهوری اسلامی، مستقل از اینکه احمدی نژاد رئیس جمهورش باشد یا کروی و یا رفسنجانی، هیچکدام از خواسته های مردم از نظر عملی تحقق پیدا نمیکند. این جمهوری اسلامی خودش مثل طوق لعنت توسط مشتت آخوند دزد و مرتجع، ضد آزادی، ضد شادی، ضد زن و جوان و ضد هر آنچه که تمدن و ترقی خوانده می شود به زندگی ۷۰ میلیون مردم ایران تحمیل شده و به سادگی هم دست از سر مردم بر نخواهند داشت. جمهوری اسلامی نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر محصول سرکوب مردم قیام کننده در سال ۵۷ است. این همان دولتی است که رهبرش خمینی در مقابل مردمی که خواهان رفاه و برابری بودند، می گفت که اقتصاد مال خر میدانست

پریا گفت: میدانم واقعا جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست. من دو سال است از ایران آمده ام و می فهمم مردم از جمله زنان چقدر از جمهوری اسلامی متنفرند ولی هرچه در صحبت تلفنی خود به آشنایانم میگفتم آنها قبول نمی کردند و یکی از آنها در پاسخ به من گفت: ما از لیج تلویزیونهای خارج از کشور در انتخابات شرکت کردیم. در کنار گود نشسته اند و میگویند لنگش کن و فرمان تحریم و

تظاهرات می دهند. باید به آنها گفت: این درک و باور محدود و غیر واقعی، افکار بخشهایی از مردم جامعه ایران است که عمدتاً تحت تاثیر تبلیغات رژیم و یا بطور واقعی در بقا جمهوری اسلامی ذینفع هستند. این نوع طرز تفکر در ۲۶ سال گذشته به طول عمر جمهوری اسلامی کمک بیشتری کرده است. من ابتدا گفتم انقلاب کار بخش انقلابی و پیشرو جامعه است. در انقلاب ۵۷ هم همه مردم شرکت نکردند. من در آن زمان ۱۷ ساله بودم و هر روز در تظاهرات شرکت می کردم. خیلی ها ما را بخاطر شرکتان در تظاهرات منع میکردند. اما وقتی که جنبش انقلابی مردم به اوج خود رسید و دانستند که کار رژیم شاه تمام است آنها نیز برای به سرانجام رساندن انقلاب به صف مبارزه و انقلاب مردم پیوستند. به زودی روزی فرا میرسد که آنها نیز به ما و به انقلاب مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی بپیوندند. اما پیرو این صحبتها و آنجایی که پای تلویزیونهای خارج از کشور به میان میاید باید از آنها پرسید بین تلویزیونهای خارج کشور تفاوت زیادی وجود دارد منظورتان کدامشان؟

تلویزیون کانال جدید تنها تلویزیونی است که حرف دل مردم ایران را میزند و در تاریخ ایران هیچگاه چنین رسانه ای وجود خارجی نداشته است. تلویزیون کانال جدید صدای کسانی است که هر جا جمهوری اسلامی حکم سنگسار و یا اعدام کسی را صادر کرده است، هر جا خواسته است مبارزات کارگران را سرکوب کند، هر وقت حمله به زنان برای رعایت حجاب و شونات اسلامی را شروع کرده است و هر وقت خواسته است مبارزات معلمان، دانشجویان و یا پرستاران را سرکوب کند، هر وقت می خواسته جوانان را از شادی محروم کند افکار عمومی دنیا را برعلیه جمهوری اسلامی بسیج کرده و از مبارزات آنها دفاع کرده اند.

مردم ایران ۲۶ سال است در داخل و خارج برای اینکه بتوانند در جمهوری اسلامی حرف دلشان را بزنند، برای اینکه یک میلی متر روسریهایشان را بالا بزنند، برای اینکه حقوقهای معوقه شان را بگیرند، برای اینکه ماهواره داشته باشند و برای مقابله با اعدام و آزادی زندانیان سیاسی قدم به قدم مبارزه کرده و زمینه های این مبارزه را بدست آورده اند.

و در پایان به دوست خود گفتم: باید گفت که آنچه که آنها در ایران بی بندوباری نامیده اند عنوان مناسبی نیست. این را که شما بی بندوباری نامیده اید فحشاست. فحشا یک پدیده اجتماعی است و مسبب اصلی آن هم جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی مسبب آن است به این دلیل که هیچ نوع روابط



عبدل گلپریان

abdolgolparian@yahoo.com

خامنه ایی گفت: کشاندن مردم به خیابانها از هر طرف و په هر عنوان خلاف مصالح قطعی کشور است.

خامنه ای که خواب راحت از چشمانش گرفته شده، مضطرب و نگران مدام به دو مسئله بسیار مهم می اندیشد. اول خیابانها و دوم مصالح قطعی کشور. کشاندن مردم به خیابانها از هر طرف (منظورش مقطع بیرون کشیدن يك فالانژ حزب الهی از قفسه است) و در ادامه می افزاید به هر عنوان (که منظورش در روزهای آینده است اما نه توسط هر طرف) که به هر عنوان یعنی (تجمع کارگران و مردم در مقابل نهادهای رژیم، تجمع خانواده های زندانیان سیاسی در مقابل اوین و دیگر زندانها، تجمع و اعتراض زنان و جوانان و دیگر اقشار جامعه در خیابانها و برای کسب خواست و حقوق شان است) هر یک از این تجمعات در خیابانها به هر عنوان از نظر خامنه ای مخالف مصالح قطعی کشور است. مصالح قطعی کشور یعنی حفظ و حراست از پایه های پوسیده رژیم اسلامی. خامنه ای و بقیه جناحها و مهره های حکومت بخوبی می دانند که تعیین تکلیف نهائی این نبرد توسط مردم و در مقابل رژیم، فقط در خیابانها به نتیجه نهائی خود خواهد رسید. این تجربه را هم دارند که هم مسلمان پیشین آنها در رژیم شاه و دیگر حکومتها، از جانب مردم انقلابی و در خیابانها کارشان را یکسره کردند. وحشت خامنه ای و بقیه از ریختن به خیابان تحت هر

خطرات جدی نظام را تهدید می کند

مروری بر روزنامه ها

عنوانی و حتی جشن گرفتن برای رهبر نیز کابوس مرگ رژیم شان را نوید می دهد. .. محمد رضا باهنر دبیرکل جامعه ی اسلامی مهندسین گفت: در مرحله ی دوم انتخابات ریاست جمهوری خیلی از این احزاب به دنبال هاشمی رفتند و حمایت خود را از وی اعلام کردند، وی ابراز عقیده کرد: کم هوشی آنها نیت قلبی شان را مشخص کرد و هدف آنها از بابت حمایت از هاشمی حذف نشدن خود از عرصه ی سیاست بود. حزب مشارکت می گفت که ما از هاشمی رفسنجانی حمایت می کنیم برای اینکه بتوانیم در عرصه بمانیم. خیلی از این نویسندگان و روزنامه نگاران نیز به صراحت اعلام می کردند که هدف ما در جهت حمایت از هاشمی ماندن در عرصه است.

محمد رضا باهنر دبیر کل جامعه اسلامی مهندسین می خواهد بگوید که قصد جناح سرکوبگر عریان، همانا حذف جناح سرکوبگر پنهان بوده است و آنها نیز یعنی حزب مشارکت تلاش داشته تا در جهت همکاری و هم یاری بتوانند در صحنه بمانند و با قرار گرفتن در پشت سر هاشمی از حذف خود جلوگیری کنند. چه چیزی گویا تر از این می تواند حرف دل این مهره های جناحی را بیان کند. این نوع شاخ و شانه کشی های جناح های مختلف علیه همدیگر در این شرایط نشان از گسیختگی تمام عیار صفوف آنهاست. صف ضد انقلاب جمهوری اسلامی بهم ریخته است. این همان سربالائی معروف است که اسبها همدیگر را گاز می گیرند.

احمدی نژاد گفت: امروز شاهد حضور شبکه های سازمان یافته ابتدال هستیم. نمی دانم وزارت اطلاعات و کشور و نیروی

انتظامی ما چه می کنند؟ متأسفانه مدیریت اجرایی ما، شیپور را از در گشاد آن می نوازند وی همچنین افزود: زنان در کابینه من جانی ندارند

احمدی نژاد نیز همچون بقیه قمه بدستان این رژیم سرشوق از بیرون آمدن از قفس کودتا و با انتقاد از دولت فعلی در ناتوانی برای مهار "ابتدال" در جامعه (که صد البته منظور ایشان بقیه مدافعین فرهنگ اسلامی این رژیم از "ابتدال یعنی روسری سوزاندن زنان و دختران در مناسبتهای مختلف، گسترش برقراری روابط مابین دختر و پسر، برگزاری پارتی ها و رقص و شادی در مهمانی ها و دهن کجی جوانان با به زیر پا گذاشتن تمامی شائبه های فرهنگ اسلامی ضد زن) می باشد و می خواهد چاقو بدستان و تیغ زنها و اسید پاشان را به جوش و خروش وادارد. آنها نه به سبک دوران ۳۰ خرداد ۶۰ و برای تحکیم حکومت بلکه برای تقابل با انقلاب مردم. احمدی نژاد و سران حکومت نیز بهتر از هر کسی می دانند که این عربده کشی ها فقط ناشی از ترس و وحشتی است که سرپای وجودشان را فرا گرفته است و مردم هم خوب می دانند که این دهان کف کرده های از قفس رها شده برکه های سوخته ای بیش نیستند. هم قطاران فعلی احمدی نژاد در دولت، دقیقاً بخاطر موج تعرضی جامعه و بویژه زنان و جوانان است که دارند شیپور را از در گشاد آن می نوازند. در روزهای آینده حضور گسترده تر مردم در خیابانها برای تحقق خواستهایشان و علیه کلیت این رژیم، بخوبی نشان خواهد داد که احمدی نژاد هم باید این شیپور را از همان سر گشاد بنوازد، البته اگر فرصتی برای این کار باشد. این فالانژ حزب الهی با قاطعیت هر چه تمامتر می فرماید: که زنان در کابینه او جانی ندارند. حتی لحن به شدت ضد زن این چماق بدست آققر زخم و زشت است که آن خواهر زینبی که به ایشان رای داده است، رای خود را با انداختن تف به صورت این بچه حزب الهی پس خواهد گرفت.

حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی در بیانیه ای نوشته یك حزب پادگانی بدون نام و نشان و شناسنامه سیاسی، با امکانات گسترده و غیرقانونی و استفاده از بودجه ها و امکانات رسمی، به طور نگران کننده ای سلامت این انتخابات را نشانه گرفت

اکبر هاشمی رفسنجانی رقیب محمود احمدی نژاد در دور دوم انتخابات گفت: در این انتخابات مجرم مشخص بود، جرم آشکار بود و اگر کسی می خواست انتخابات سالم برگزار شود، باید جلوی این مسائل را می گرفت. و اما ناله و فغانهای اکبر شاه برای جلو گیری از جرم رقیب و بیانیه جبهه مشارکت دربرملا ساختن این حزب پادگانی که منظورشان دارودسته های سپاه و بسیجی است که هر کدام با ده ها و صدها رای توانستند در مقابل رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به این شبه کودتا دست بزنند. رفسنجانی به عنوان یکی از مهره های اصلی این رژیم که به مافیای ثروت و جنایت مشهور است، دارد از رقیبی که خود را مافیای گونه و در میان پاسداران و بسیجیان با استفاده از امکانات گسترده، غیر قانونی و بودجه رسمی کشور بدست آورده، گلایه دارد. این در حالی است که استفاده از امکانات گسترده، غیر قانونی و بودجه رسمی کشور را جناب رفسنجانی و بقیه مهره های رژیم نه تنها در دوران عربده کشی های انتخاباتی بلکه در به فقر و فلاکت کشاندن مردم و ثروت اندوزی امر هر روزه شان بوده است. رفسنجانی سپس اضافه می کند که: در این انتخابات مجرم مشخص بود و لازم می بیند برای طرفداری از انتخابات جلو این جرم و جنایت رقیب را بگیرد. آنها با تاسیس حزب اعتدال که فراخوان به تشکیل آن را داده است و کربوبی نیز گفته است که یک حزب جدید تشکیل می دهد. این حزب سازی ها برای مهره هائی که پس رانده شده اند، ضرورت صد چندان پیدا کرده است فقط بخاطر اینکه نظام جمهوری اسلامی

رژیم و دارو دسته اش بدانند که شهر سرخ سندانج در یادبود منصور حکمت عزیز عزا دار نیست، بلکه بیشتر از پیش با قدرت به شما جانپان نشان خواهد داد که انقلابی کوبنده در راه است و جرقه این انقلاب را زنان خواهند زد و کارگران و جوانان و دانشجویان و معلمین به اوج میرسانند.

این را ما نسل بعد از انقلاب ۵۷ تضمین میکنیم! اینرا وجود يك حزب قوی کارگری (حزب کمونیست کارگری) تضمین میکند.

زنده باد منصور حکمت!
زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران!
پوری از سندانج ۸۴/۴/۱۴

را گرامی میداریم که بسیجیها و طرفداران چماق به دست احمدی نژاد با تهدید جوانان، مبنی بر اینکه يك ماه دیگر کسی جرأت نمیکند بدون حجاب به خیابان بیاید و اگر بیاید با کتک و چماق ما طرف است رویرو هستیم. ما جوانان پوزه این رژیم و دارودسته اش را به خاک میمالیم. ما دختران و پسران سندانج سرخ دست در دست هم با بالا بردن جام شرابمون به یاد کسی که به ما دوست داشتن و شادی و شغف در سختترین شرایط را آموخت سالروز منصور حکمت عزیز را گرامی میداریم. یاد بود کسی را گرامی میداریم که به ما طریقه زندگی کردن و بهتر زیستن را آموخت.

زنده باد حمید تقوایی، مینا احدی، آذر ماجدی، و علی جوادی!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ تیر ۸۴ - ۳۰۷ - ۲۰۰۵
۰۰۴۹۶۳۳۴۵۸۰۰۷
گرامی باد یاد و خاطره منصور حکمت

ما جوانان، دانش آموزان دانشجویان و مردم سندانج سرخ یاد و خاطره منصور حکمت را گرامی میداریم. ما در شرایطی مراسم یاد عزیز منصور حکمتمان

ادامه مردم در شهرهای کردستان ...

- پرچم انقلاب در دست حزب منصور حکمت است!
- مردم آزادیخواه! کارگران! جوانان! زنان حزب کمونیست کارگری حزب شما است آنرا تقویت کنید و به آن پیوندید!
- گرامی باد یاد و خاطره منصور حکمت!
- منصور حکمت با آرمانهای والای انسانیش همیشه زنده است!
- زنده باد سوسیالیسم!
- زنده باد آزادی و برابری!
- زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران!

ادامه نگاهی به اوضاع سیاسی ایران و ...

کار بیابورد به فاکتورهای متعددی بستگی دارد که آمریکا فعلاً باید منتظر آماده شدن آن شرایط بماند. رشد و گسترش جنبش انقلابی مردم میتواند این انتظار آمریکا را به یاس تبدیل کند.

در چنین فضای ملت‌هپی در داخل و خارج ایران طبیعی است که جمهوری اسلامی ناچار است دست به عصا حرکت کند. دنیا با حساسیت بیشتری اکنون حرکات رژیم اسلامی ایران را زیر نظر دارد. روزنامه‌ها و مدیای غربی که با قدرت‌گیری جریان دوم خرداد کل فضای دنیا را به نفع این آخوند "رفرمیست" و رژیمش مسموم کرده بودند اکنون گوشه‌هایی از واقعیت جامعه ایران را به تصویر میکشند. امروز کاملاً بر عکس گذشته پرونده‌هایی که دولت‌های غربی قبلاً به نفع جمهوری اسلامی پنهان کرده بودند و امروز دوباره روی میز قرار داده اند یکی بعد از دیگری دارد به اطلاع جهانیان میرسد.

با توجه به فاکتورهای بالا تعادل قوا به نفع مردم تغییر مهمی کرده است. با این حال نباید انتظار داشته باشیم در کوتاه مدت تعرض به جمهوری اسلامی به نقطه‌نهایی و تعیین‌کننده ای برسد. بخشی از مردم و فعالین سیاسی و رهبران عملی ممکن است هنوز تصویر انقلاب ۵۷ در ذهنشان زنده شود و انتظار این را بکشند که رهبری مثل خمینی بیاید و کار را یکسره کند. این تصویر قابل تکرار نیست. زیرا نه مردم آن مردم هستند و نه فرهنگ حاکم بر نیروی فعاله انقلاب شباهتی به آن فرهنگ دارد. نه رژیم اسلامی شباهتی به رژیم سلطنتی دارد و نه اپوزیسیون زیر چترهمه باهم به حرکت در می‌آید.

تصور سنتی از انقلاب، تصور انقلابی شبیه به ۵۷، ما را از شناختن این انقلاب معین و مهم و ترسیم راه‌های پیشروی محروم میکند. این انقلاب همانگونه که گفتم با نقش حزب کمونیست کارگری و با منصور حکمت و نقد او از جامعه و راه حلهای جنبش ماکزیالیست و رادیکال، عجین شده و به نوعی از آن رنگ گرفته است. این انقلابی است

که همین امروز در جریان است و با مجموعه ای از حرکات اجتماعی و مبارزات و کمپینها به پیش میرود.

راه پایان دادن کم‌دردسر به عمرحکومت اسلامی، سرنگونی این حکومت از طریق يك انقلاب اجتماعی است و این انقلاب در مقابل چشمان ما دارد اتفاق می‌افتد. روز انقلاب هر ضد انقلابی از خواب بیدار میشود. مهم این است که ما از هم اکنون تنها صدای پای انقلاب را اعلام نکنیم بلکه معمار و سازنده آن باشیم. بدون تعارف باید بگویم که بدون حزب کمونیست کارگری انقلاب هم راه به جایی نمیرد. باید کاری کرد که این مبارزات گسترده تر و بهم پیوسته تر شود و رهبران این جنبش‌ها و این مبارزات در جامعه هر چه شناخته شده تر گردند.

کارگران، زنان، جوانان، و کل مردم ایران هنوز نتوانسته اند در يك تشکل فراگیر و توده ای به همدیگر وصل شوند. این نقطه ضعف مهمی است که میتواند نیرو و اعتراض مردم را به هرز برود. هنگامی که مردم میگویند رهبر نداریم و

رهبری باید باشد که این اعتراضات را هدایت کند دارند به این نقطه ضعف اشاره میکنند. فعالین چپ و کمونیست باید فوراً در محل کار و زیست این ظرف مناسب را سازمان دهند. سازمان دادن ظرفهای ماکرو و بزرگ مبارزاتی در بین کارگران و زنان و جوانان، متشکل شدن و اعمال نقش کردن در ابعادی بزرگ و اجتماعی، اینها همگی جنبش انقلابی جاری را يك قدم جدی به جلو میبرد.

جمهوری اسلامی هرچقدر ضعیف باشد باز هم باید کسانی بروند و آنرا بسندازند. برخلاف تصورات راست جامعه، سرپا ماندن رژیم اسلامی مثل میوه نیست که روزی خودش از درخت بیفتد. جمهوری اسلامی مثل خود درخت است هر چقدر پوسید می‌تواند سالها سرپا بماند. این درخت پوسیده را باید انداخت.

۱۸ تیر یکی از آن مقاطع مهم است که مردم برای انداختن این درخت پوسیده به میدان بیایند.

۱۵ تیر ۸۴

کسی شکایت ندارم و به کسی تعرض نمی‌کنم، اما مسئله این است که حق انقلاب و نظام مطرح است. (تائیدات از من است)

رفسنجانی در پایان نیز به رقیب خود خطر رفسنجانی در مردم که اساس نظام و رژیم اسلامی را تهدید می‌کند، هشدار می‌دهد و می‌خواهد طرف مقابل در دعوای جناحی را اینگونه شیرفهم کند که اگر بخواهد در مورد اموال و ثروت اندوخته شده وارد جنگ شود باید بداند که او هم وارد افشاگری در مورد این کودتا خواهد شد. در نتیجه به طرف می‌فهماند که من گذشت می‌کنم و تو هم صرفنظر کن چون با تشدید این دعوا خطر های جدی ما را تهدید خواهد کرد و پیشروی مردم برای نابودی نظام تسریع می‌شود. تمام لپ مطلب مهره های رژیم در دعوای خانوادگی بر سر همین عبارت دور می‌زند یعنی خیابانها، مصالح کشور، خطرات دشمن یکدست شدن، خطرات تفرقه، خطر "ابتدال"، خطر محو نیمه وجب دستمال، همدیگر را افشا نکنیم، ثروت را تهدید نکن کودتایت را افشا نمی‌کنم

بنابراین کوتاه بیاییم خطر جدی ما را تهدید می‌کند.

رفسنجانی در حالی به این اعترافات در مورد مافیای ثروت خود می‌پردازد که جناح کودتاگر انتخاباتی را به خلاف کاری متهم کرده بود و با این سخنان می‌خواهد به اصطلاح وارد يك صلح نسوز شود تا در ازای دست کشیدن رقیب او از بازنگری بر اموال ایشان، (که سالهاست در مورد کل سران این حکومت ثروت اندوزی يك پدیده همیشگی و روزمره این جانوران بوده) او نیز از شاکي بودن از کودتای سوم تیر در نمایش انتخاباتی کوتاه بیاید. در همین رابطه به بخش دیگر سخنان رفسنجانی توجه کنید که دارد پیشنهاد این آتش بس را برای حفظ نظام مطرح می‌کند. رفسنجانی در ادامه می‌گوید:

خود شما می‌دانید که در ایام انتخابات چه تخریب هائی صورت گرفت و من نمی‌خواهم این فصل غمناک انتخابات را مطرح کنم، اما در مورد کسانی که تقاضای عفو می‌کنم، می‌گویم که از حق خودم در مورد آنها می‌گذرم و هیچ کس نیازی به دریافت سند ندارد، اما کسانی که از سردشمنی و کینه توزی برای تخریب، اقدام کردند، باید کاری را که کردند اصلاح کنند، اگر کارهای خود را جبران کنند، بخشیده می‌شوند، اما من از

احمدی نژاد نیز توان نگه داشتن این نیمه وجب باقی مانده را هم ندارد. روزی که این نیمه وجب روسری

باقیمانده زیر پا لگد مال شود آن روز روز فرا رسیدن مرگ رژیم اسلامی خواهد بود. آن روز زیاد هم دور نیست.

سخنان رفسنجانی در اولین نماز جمعه بعد از "انتخابات"

رفسنجانی در بخشی از سخنان خود گفت: شایعات بسیاری در مورد ما و خانواده ما وجود دارد که بیشتر بر محور دارائی های بنده است که ریشه آن به پیش از انقلاب اسلامی باز می‌گردد و دلیل آن کمک های مالی من به گروه های مبارز پیش از انقلاب است که پس از گرایش برخی گروه ها به طرف مجاهدین خلق و نظائر آن کمک های خود را قطع کردم و همین مسئله باعث آغاز تخریب من از سوی این افراد و نسبت دادن سرمایه دار بودن من شد و این روند پس از انقلاب نیز ادامه یافت.

البته رفسنجانی نگفت که دارائی های قبل از انقلاب را از کجا آورده است. همچنین اضافه کرد که اگر نیروهای علاقمند به نظام و انقلاب دچار اختلاف و تفرقه شوند خطر های جدی ما را تهدید خواهد کرد.

در معرض خطر سرنگونی از جانب مردم قرار گرفته و باید توسط باندهای جدید التاسیس از نابودی خود و رژیم اسلامی جلوگیری کنند.

و در ادامه گفته های ضد زن احمدی نژاد، محمد تقی رهبر نماینده اصفهان در مجلس نیز گفته است که:

یکی از مطالبات مجلس هفتم از دولت آینده را "برخورد با بدحجابی برخی از زنان و دختران" عنوان کرد.

وی اضافه کرد: اگر اینها همین نیمه وجب دستمالی را که روی سرشان است بردارند، کسی نیست که به آنها حرفی بزند.

تقی رهبر هراسان از اینکه این کمتر از نیمه وجب دستمالی که در روزها و هفته های آینده از آن هم اثری باقی نخواهد ماند، عمیقاً به وحشت افتاده است ایشان و بقیه دولتمردان این رژیم بر این مسئله واقف هستند که همین نیمه وجب دستمال باقی مانده نیز دارد پایان حاکمیت رژیم اسلامی را اعلام می‌کند نگرانی ها آنقدر عینی و واقعی است که احتیاجی به شکافتن عمق آن نیست و این را هم خوب می‌دانند که نه تنها دولت فعلی هیچگاه جرئت و جسارت این را نداشته است که حرفی بزند، بلکه دولت چماق شکسته

من دیگر از مردم ایران دفاع نمیکنم

آزادی میان زن و مرد وجود ندارد، بخاطر اینکه فقر و ناداری کل جامعه ایران را در بر گرفته است. مردم بین مرگ و زندگی، زندگی

بدون سرنگونی جمهوری اسلامی هیچ مشکلی در ایران حل نخواهد شد. باید این رژیم را سرنگون کرد. ۵ ژوئیه ۲۰۰۵

بطور واقعی چند درصد از محصول کار خود را دریافت میکنند. آمار بیکاری سر به فلک میزند. هر آن ممکن است شورش گرسنگان در جامعه ایران راه بیفتد. مسئول تمام این بی سر و سامانها جمهوری اسلامی است.

را ترجیح میدهند. برنج و گوشت از آسمان برای مردم نازل نمیشود. باید پول داشته باشند تا مایحتاج خود را تهیه نمایند. پول هم چیزی نیست که از دریا جمع کنند. پول حاصل دسترنج مردم است، حاصل کارشان است و

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!